

رسیدگی به ارزیابی و تشخیص این امر می‌پردازد. ۵- حقوق ارزی متخصصانی که به منظور استقرار کارهای تولیدی مذکور در این آیین‌نامه، پیش از آغاز بهره‌برداری پرداخت شده باشد. ۶- تمام یا قسمتی از سود ویژه به دست آمده در ایران که به سرمایه اصلی اضافه شده یا در سازمان دیگری به کار افتد که مشمول مقررات قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی است.

در بسیاری از اقلام فوق، به منظور استفاده و راه‌اندازی سرمایه خارجی لازم است قرارداد سرمایه‌گذاری همراه با قرارداد کمک فنی و تخصصی باشد. علاوه بر این، بعضی اوقات مؤسسه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی، به منظور ایجاد کار برای متخصصان و کارشناسان خود و

۹۹ اگرچه، با توجه به نص صریح اصل (۸۱) به ظاهر، ممنوعیت مذکور فقط شامل بخش دولتی است، ولی در عمل این ممنوعیت در بخش خصوصی هم به خصوص در مسائل مربوط به اجازه ورود و جواز اشتغال به کار خارجیان اثرگذار است. با قبول این فرض که ممنوعیت مقرر، فقط شامل بخش دولتی باشد، در هر مورد دولت باید ضمن توجیه ضرورت استفاده از خدمات کارشناسان و متخصصان خارجی، از مجلس شورای اسلامی موافقت لازم را بگیرد. ۶۶

نیز برای توسعه و حفظ موقعیت سرمایه‌گذاری و تجاری خود در کشورهای سرمایه‌پذیر، به جای تأسیس شعبه و تشکیل شرکت فرعی و مختلط، از طریق انعقاد قراردادهایی تحت عنوان «کمک‌های فنی و تخصصی» اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند. این قراردادهای، اصولاً در پی قراردادهایی مانند قراردادهای وام و امتیاز بسته می‌شود. به این ترتیب که سرمایه‌گذار خارجی، به منظور حصول اطمینان نسبت به دریافت به موقع اقساط، اصل و بهره وام خود، ضمن قرارداد اعطای وام، حق نظارت در بهبود کار و حُسن اداره مؤسسه وام‌گیرنده را نیز تحصیل می‌کند و به این ترتیب، تعدادی از متخصصان نیروی کار ماهر و ورزیده خود را برای نظارت و کمک‌های فنی به کشور

میزبان می‌فرستد. همین وضعیت در قراردادهای اعطای امتیاز ساخت محصولات و مصنوعات خارجی نظیر اتومبیل، تلویزیون و غیره وجود دارد. بیشتر، بستن قراردادهای اعطای امتیاز ساخت اتومبیل به یک مؤسسه تولیدی خارجی و یک مؤسسه یا شرکت ایرانی، منوط به امضای قرارداد کمک فنی با مؤسسه داخلی است؛ زیرا تولیدکننده‌ای که حق استفاده از علامت تجاری خود را به دیگری واگذار می‌کند، به دلیل حفظ مرغوبیت کالای خود، باید مطمئن شود که امتیازگیرنده، کالایی را که تحت امتیاز می‌سازد، با همان مشخصات فنی و با استفاده از همان تجربه و تخصص صاحب امتیاز تولید خواهد کرد و برای این منظور، امتیازگیرنده به موجب قرارداد کمک فنی مکلف خواهد شد که از تخصص کارشناسان فنی و نقشه‌ها و فرمول‌های فنی امتیازدهنده استفاده کند و در مقابل، به نسبت سود، یا بر اساس مقدار فروش خود، حق کمک فنی به صاحب امتیاز بپردازد.

در اینجا پرسش مطرح این است که آیا ممنوعیت مقرر در اصل (۸۲) قانون اساسی، به مؤسسات و شرکت‌های دولتی اشاره دارد، یا شامل بخش خصوصی هم می‌شود؟ اگرچه، با توجه به نص صریح اصل (۸۱) به ظاهر، ممنوعیت مذکور فقط شامل بخش دولتی است، ولی در عمل این ممنوعیت در بخش خصوصی هم به خصوص در مسائل مربوط به اجازه ورود و جواز اشتغال به کار خارجیان اثرگذار است. با قبول این فرض که ممنوعیت مقرر، فقط شامل بخش دولتی باشد، در هر مورد دولت باید ضمن توجیه ضرورت استفاده از خدمات کارشناسان و متخصصان خارجی، از مجلس شورای اسلامی موافقت لازم را بگیرد. اخذ این موافقت نیز شرایط و تشریفات خاص خود را دارد که به لحاظ زمان بر بودن، می‌تواند مانع تأمین مالی شود.

اصل ۱۳۹ قانون اساسی

به موجب اصل (۱۳۹) صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد و در موارد مهم داخلی، باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون

تعیین می‌کند. مطابق این اصل، صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی و ارجاع آن به داوری را در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد، منوط به تصویب هیئت وزیران و مجلس می‌داند. ایراد این اصل از آنجا ناشی می‌شود که بازرگانان و سرمایه‌گذاران خارجی با دادگاه‌ها و قوانین ملی میانه خوبی ندارند و از آنجا که داوری تجاری بین‌المللی هم‌اکنون با صرف وقت و هزینه کمتر و سرعت عمل بیشتر، پیروی از قواعد بین‌المللی و اصول و مقررات تجارت بین‌الملل، به حل اختلافات می‌پردازد، سرمایه‌گذاران خارجی به این نهاد رغبت بیشتری نشان می‌دهند، ولی با توجه به این اصل در واقع مانعی بزرگ بر سر راه انعقاد این‌گونه قراردادهای است. از نظر عملی، هنگامی که طرفین مبادرت به درج شرط داوری و درج آن در قرارداد می‌کنند، نیازی به تصویب هیئت وزیران یا مجلس نیست بلکه هنگامی که اختلافی محقق می‌شود و طرف خارجی آن را به داوری ارجاع می‌دهد، آنچه مورد نظر اصل (۱۳۹) قانون اساسی بوده است از سوی طرف خارجی صورت پذیرفته است. به این معنا که ارجاع‌کننده دعوا به داوری طرف خارجی است نه طرف ایرانی، پس اصولاً تصویب مجلس ضرورتی ندارد، آنچه باعث اختلاف شده این بحث است که طرف ایرانی بخواهد دعوا را به داوری ارجاع دهد، در اینجا بنا بر تفسیر شورای نگهبان چنانچه موضوع دعوا راجع به اموال عمومی دولتی باشد باید به تصویب مجلس برسد. جالب آنکه اصولاً وضع هر قاعده یا ماده یا اصلی از سوی قانون‌گذار باید مبنایی عقلایی داشته باشد، حال آنکه اگر در مسئله‌ای مورد بحث، طرف خارجی به داوری متوسل شود و در پی آن، طرف ایرانی به مجلس مراجعه کند، اگر مجلس شورای اسلامی تصویب نکند، در واقع حداقل دفاعی را که شخص می‌توانست به عمل آورد از او سلب کرده است و در نتیجه چاره‌ای جز تصویب ارجاع به داوری را نخواهد داشت و این یعنی نظر مخالفان سرمایه‌گذاری خارجی تحمیل شده است و جز این مفهومی دیگری نمی‌توان یافت.

۲. موانع حقوقی مندرج در سایر قوانین

قانون مالیات

نظام مالیاتی غیراستاندارد و فراری دهنده